

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

بهرام رحمانی

۲۰ اپریل ۲۰۱۱

«مذهب» و داستان «ظهور امام زمان»؟!!

(بخش اول)

مقدمه

از سال ۱۳۸۴ که دولت احمدی نژاد، بر سر کار آمده است داستان سرائی در مورد ظهور امام زمان به اوج خود رسیده است. روزانه صدها رسانه، فلم، داستان، مقاله، سخن رانی و غیره داستان های ارتجاعی و تخیلی حکومت اسلامی را تبلیغ و ترویج می کنند.

هدف اصلی حکومت از تبلیغ مداوم ظهور امام زمان و یا دولتی که قرار است زمینه های ظهور امام زمان را فراهم سازد؛ یا رهبر مخفیانه با امام زمان دیدار می کند و... تلاشی برای بسیج مردم مذهبی پشت سیاست های حکومت است تا از یک سو جامعه را مرعوب سیاست هایشان کنند و از سوی دیگر، هر مخالف و منتقد را شدیداً سرکوب نمایند. اما حکومت اسلامی، به دلایل مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژیکی و دیپلماتیک در بحران به سر می برد و دیگر بیش از این، امام زمان و خدا و پیغمبرشان نیز قادر نیستند آن را از خطر سرنگونی برهانند. اطرافیان علی خامنه ای، در تلاشند تا از او چهره ای مقدس بسازند. روحانیون طرفدار خامنه ای در مساجد و محافل عمومی و نماز جمعه ها، او را نایب امام زمان معرفی کنند.

یک روز او را «سیدخراسانی»، یار نزدیک امام دوازدهم شیعیان معرفی می کنند و روز دیگر، علم و دانش او را هم بالاتر از همه متخصصان می دانند.

در روزهای گذشته، فیلم سخن رانی آیت الله محمدسعیدی، امام جمعه شهر قم منتشر شده است که سعی می کند برای مردمی که پای منبر او نشسته اند، تولد خامنه ای را در هنگام به دنیا آمدن و تولد، متفاوت با تولد دیگر انسان های عادی نشان دهد.

آیت الله محمد سعیدی، در این سخن رانی گفت: «زمان ولادت رهبر انقلاب که رسید، ما را از اتاق بیرون کردند. قابله در اتاق داشت زمینه تولد این فرزند جدید را فراهم می کرد.»

او، در این فلم می گوید: «می گفت یک مرتبه دیدم صدای قابله بلند شد. که «علی نگهدارت باشد.» می گفت. ما در را باز کردیم و رفتیم تو. گفتیم چه شد؟ گفت که این آقا- یعنی مقام معظم رهبری- وقتی می خواست از بدن مادر خارج شود، گفت «یا علی.» گفت تا این کلام را شنیدم، قابله گفت «علی نگهدارت باشد.» آیت الله سعیدی، گفت: «مردم! رهبر شما کسی است که با ورودش یا علی گفت و در طول زندگی یا علی گفت و تو حزب اللهی باید تا ابد پشت سر این رهبر یا علی بگویی.»

هم چنین در فلم کوتاهی که اخیرا به صورت گسترده روی سی دی انتشار یافته است، آیت الله خامنه ای رهبر حکومت اسلامی به سید خراسانی، محمود احمدی نژاد رئیس جمهور به شعیب صالح و حسن نصرالله رهبر حزب الله لبنان به سید یمانی تشبیه شده اند.

دو مجری زن و مرد این فلم، با استفاده از کتاب ها و احادیث و روایات، مشخصات آیت الله خامنه ای را با مشخصات سید خراسانی مقایسه می کنند و در نهایت نتیجه می گیرند که رهبر حکومت اسلامی، برای فراهم ساختن زمینه ظهور امام زمان برخاسته است. در این راه، فردی به نام سیدیمانی و فرد دیگری به عنوان شعیب صالح، در خدمت سید خراسانی هستند که مشخصات ظاهری و رفتارهای آنان به ترتیب با سید حسن نصرالله و محمود احمدی نژاد انطباق داده شده است.

انتشار گسترده این فلم، که «ظهور بسیار نزدیک است» نام دارد، کشمکش تازه ای را بین جناح حاکم اصول گرایان و برخی از نمایندگان مجلس و روحانیون به وجود آورده است. این کشمکش ها به ویژه از آن جهت تشدید یافته که اسفندیار رحیم مشائی، رئیس دفتر احمدی نژاد که چهره خیرسازی در دولت او است نیز به تازگی «مدیریت ظهور امام زمان» را وظیفه دولت دانسته است.

منتقدین احمدی نژاد و رئیس دفتر او از مدت ها پیش متهم هستند که می کوشند وانمود کنند با امام زمان رابطه مستقیم دارند. در آغاز ریاست جمهوری احمدی نژاد، برخی از مسؤولان دولتی اعلام کرده بودند که او هنگام نماز خواندن در ساختمان ریاست جمهوری، جانمایی برای امام زمان پهن می کند و پشت آن نماز می خواند. برخی دیگر از نزدیکان او نیز گفته بودند که او هنگام صرف غذا نیز، بشقابی پر از غذا برای امام زمان روی میز می گذارد. این نمونه ها نشان می دهند که جامعه ما در دست یک مشت آدم هائی که به شدت خطرناک و جنون آدم کشی دارند، اسیر هستند.

تلاش ها برای جانداختن این ادعا که ظهور امام زمان نزدیک است، تا آن جا پیش رفته که حوت [اسفند ماه] ۱۳۸۹، حتی امام جماعت اهل تسنن زاهدان نیز، در سخنانی غیر منتظره که از او نقل شد، گفت که حتی اهل سنت هم به امام زمان اعتقاد دارند و ظهور وی نزدیک است. در حالی که اهل سنت، به امامت اعتقاد ندارند و در نتیجه عملاً نمی توانند وجود امام زمان را تأیید کنند.

اظهارات مولوی عبدالرحمان ملازهی امام جمعه اهل سنت زاهدان، ۱۶ حوت سال گذشته از سوی خبرگزاری حکومتی فارس، منتشر شد که به دولت و سپاه پاسداران نزدیک است.

در حال حاضر سایت های بسیاری در زمینه «مهدویت» و «موعودگرائی» در ایران فعالیت می کنند که به اساس برخی گزارشها، تعداد آن ها به بیش از یک صد سایت و وبلاگ می رسد و از سوی نهادهای دولتی و حوزه علمیه قم نیز پشتیبانی مالی می شوند.

کتابی است به نام کتاب نامه حضرت مهدی، ۲۰۰۰ جلد کتاب را درباره مهدی، معرفی کرده است. برخی آیت الله ها بر این عقیده اند که شیعیان عادی درباره امام زمان باید حداقل ۱۰ جلد کتاب خوانده باشند و طلبه ها هم ۱۰۰ جلد و محققان ۵۰۰ جلد مطالعه کرده باشند.

«ولایت کلیه الهیه» علامه میرجهانی، «مهدی منتظر»، آشیخ جواد خراسانی، «مهدی موعود»، ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار و امثال این ها.

علاوه بر این کتاب ها، صدها کتاب دیگر و سایت اینترنتی و غیره در سطح کشور توسط گروه ها و افراد متعصب مذهبی تولید و تبلیغ می گردند.

روزانه صدها ساعت از وقت رسانه های دولتی، جلسات و سمینارها، ده ها هزار صفحه از رسانه های مکتوب و الکترونیک و ده ها هزار ساعت از وقت تربیون های رسمی حکومت اسلامی به روحانیون اختصاص دارد تا به تعریف و تمجید از رهبر و حکومت بپردازند. در همین راستا داستان امام زمان نیز به عنوان داستان های سریالی توسط حکومت اسلامی به بازار عرضه می شود.

برای مثال، «از معجزه خودم به تان بگویم. در دفتر به کارمندم می گویم: محمد، دارند باد ماشینم را خالی می کنند. می رود می بیند که بله خالی کرده اند.» (جعفر شجونی، دبیر جامعه و عاظ تهران، همشهری ماه به نقل از تابناک، ۲۸ جدی ۱۳۸۹) یا داستان های دیگری چون «هاله نور احمدی نژاد» و...

در دوره ای که روزبه روز مردم از حکومت و سران آن و ایدئولوژی مذهبی آن رویگردان می شوند سران و مقامات حکومت اسلامی، شدیداً احساس نگرانی می کنند و تلاش های گسترده ای را برای تحریک هر چه بیشتر احساسات مذهبی طرفداران خود به کار می اندازند تا بلکه قدرت خود را نگاه دارند. به این اساس در سال های اخیر، هم دفتر خامنه ای و هم دولت در حال گفت و گو با روحانیون و مداحان در مورد معجزات خامنه ای متمرکز شده اند. توزیع گسترده و رایگان ملیون ها نسخه از فلم «ظهور نزدیک است» نیز با همین هدف تولید و توزیع شده است.

مهدی پرستی و انتظار ظهور، بازار بزرگی برای روحانیون شیعه است و برای این که این بازار پررونق خود را حفظ کنند صدها و هزاران حدیث و داستان و روایت های افسانه ای برای او ساخته اند. نکته جالب این جاست که در هر دوره ای از تاریخ، ظلم و ستم و جنایات حاکمیت شدت گرفته و زندگی مردم سخت تر شده است، داستان نزدیک بودن ظهور امام زمان توسط حاکمیت قداره بند به داستان روز تبدیل شده است.

ملا باقر مجلسی، در بحار الانوار، جلد سیزدهم - ترجمه شیخ علی دوانی، مهدی موعود (تهران: دارالکتاب الاسلامیه) در صفحات ۱۰۷۲، ۱۰۱۷، ۱۱۲۵، ۱۰۲۵، ۱۱۵۸، و ۱۱۰۰، در توصیف امام چنین نوشته است: «... مهدی تا آن اندازه خون خواهد ریخت تا خدا را راضی و خشنود گرداند...» «... مهدی چیزی جز شمشیر به مردم نمی دهد...» «... مهدی بر جن و انس غلبه می کند و یک نفر از افراد فرومایه را در روی زمین باقی نمی گذارد...» «... به خدا قسم از هر صد نفر آن ها بلکه از هر هزار نفر آن ها یک نفر را باقی نمی گذارد...» «... در لشکریان امام قائم قصد هر شهری را می کنند، آن جا را خراب و ویران می نمایند... بنابراین، هر آخوند و مقام و منصب حکومتی که خواهان ظهور امام زمان است طالب جنگ، قتل، خونریزی، نابودی و ویرانگری است.

هدف این نوشته، تحلیل و بررسی چگونگی داستان تخیلی امام زمان و خرافه پرستی و بهره برداری سیاسی از ابزار مذهب توسط حکومت اسلامی در جهت سرکوب اعتراضات مردمی و نقد مذهب است که در چند بخش مختلف منتشر خواهد شد.

نگاه کلی به مذهب

اسلام از همان بدو ظهور خود، سیاسی و سودای حاکمیت بر سر داشت. محمد در سال ۵۹۵ میلادی، جوان ۲۵ ساله بود و برای تأمین معیشت خود، به شغل چوپانی روی آورده بود. محمد با تاجری به نام خدیجه آشنا شد. خدیجه ابتداء محمد را به شغل شتربانی استخدام کرد و سپس او را متصدی کاروان تجاری خود کرد و سرانجام با او ازدوج نمود. خدیجه در این زمان سال خورده و چهل ساله بود. به این اساس، محمد پدید آورنده ایدئولوژی اسلامی، هنگامی که خدیجه، زن تاجر با او ازدواج کرد و با کاروان های تجاری او، به سفرهایی نیز رفت. از آن پس محمد، به مدت ده سال با همسر خود به تجارت پرداخت و در سن ۳۵ سالگی به صورت مردی ثروت مندی درآمد. بنابراین، محمد که تمام دوران کودکی و جوانی خود را در فقر و آنزوا و چوپانی گذرانده بود با ازدواج با خدیجه و با برخورداری از ارتباطات و امکانات مادی و معنوی این زن ثروت مند سرشناس، وارد موقعیت جدیدی از زندگی خصوصی و اجتماعی خود شد و بیش از همه به فکر انتقام از قبایل دیگر افتاد.

محمد قصد داشت یهودیان و مسیحیان را نیز به دین اسلام درآورد و به همین دلیل، خود را تابع آئین ابراهیم معرفی کرد. زیرا ابراهیم نه یهودی بود، نه مسیحی و نه بت پرست. بلکه او «حنیف» به شمار می رفت. حنیف به کسی اتلاق می شد که «جوینده حقیقت بود و خداوند واقعی و خالق آسمان و زمین را پرستش می کرد.» ابراهیم، قبل از موسی و عیسی به پیغمبری رسید و خانه کعبه را نیز او بنا نهاد.

در هر صورت محمد تصمیم گرفته بود یک دین آسمانی به وجود آورد که بتواند با ادیان یهود و مسیح رقابت کند. به این اساس، یکی از روزهایی که محمد از غار «حرا» مراجعت کرد، داستان رسالتش را آغاز کرد و به خدیجه همسرش گفت که فرشته ای به نام جبرئیل بر وی ناظر شده و به او تکلیف کرده است. مرتبه دوم نیز جبرئیل مجددا محمد را ملاقات کرد و به او گفت: «یا محمد تو رسول الله هستی و من جبرئیل می باشم.» مدت سه سال فاصله افتاد و در این مدت از جبرئیل اثری دیده نشد.

پس از این که محمد از غار حرا به خانه مراجعت کرد، داستان ظاهر شدن جبرئیل را برای خدیجه تعریف کرد و خدیجه پس از شنیدن سخنان داستان او، گفت که به طور یقین خداوند ترا به رسالت برگزیده و من به تو ایمان می آورم.

دومین کسی که به محمد ایمان آورد، غلام او زید بود. سومین کسی که به دین محمد ایمان آورد، پسر عموی علی بن ابی طالب بود. علی در این زمان، ۱۶ ساله بود. بنابراین، بسیار طبیعی بود که خدیجه به عنوان زن محمد، زید غلام آن ها و علی پسر عموی محمد و دین جدید او را بپذیرند.

پس از سه سال کوشش و تبلیغ محمد موفق شد رویم رفته ۱۳ نفر را به دین اسلام جلب کند، اما به غیر از علی هیچ کدام از آن ها، از شأن فردی و اعتبار اجتماعی برخوردار نبودند. از این رو، سران قریش محمد را مسخره می کردند و مردم مکه نیز به او به چشم کسی نگاه می کردند که با ثروت خدیجه دچار هذیان و خودبزرگ بینی شده است.

سرانجام محمد در مکه، انگشت نما شده بود و نمی توانست در این شهر زندگی کند. او، ناچاراً به همراه پیروانش زید، علی، ابوبکر پدر زن جدید خود «عایشه» و عمر و عثمان از مکه به مدینه کوچ کردند. در واقع می توان گفت که در سپتامبر سال ۶۲۲، یعنی از زمان کوچ محمد از مکه به مدینه، تاریخ دین جدید او «اسلام» آغاز می شود. این کوچ «هجرت» نام گرفته است.

محمد، رفته رفته یارانی پیدا کرد و آن ها کاروان های تجاری را مورد حمله قرار می دادند و با جنگ و کشتار، اموال آن ها مصادره می کردند. حتی بچه ها و زنان را گروگان می گرفتند و به عنوان غنایم جنگی بین خود تقسیم می کردند. در بسیاری از نوشته های تاریخی آمده است که غارت اموال مغلوبین در جنگ های محمد، بزرگ ترین محرک مردم برای پیوستن به اسلام محمد بود تا تبلیغات خود محمد و پیروانش.

در قرآن آیات زیادی وجود دارد که مسلمانان شبه جزیره عربستان را برای کسب غنائم جنگی به نبرد با غیرمسلمانان تشویق می کند. این آیات عبارتند از: آیه ۶۷ سوره انفال و آیات شماره ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ سوره فتح. در آیه ۶۷ سوره انفال آمده است: «پس اکنون هر چه از غنیمت بیابید بخورید، حلال و گوارای شما باشد...»

در تاریخ طبری، نوشته شده است در برخی از جنگ ها مانند جنگ بدر، محمد دستور کشتن اسیران را صادر کرد، ولی لشکریانش آن چنان شور و از غنائم جنگی و تصاحب اموال اسیران را داشتند که برخلاف دستور پیامبر، آن ها را با گرفتن اموال شان آزاد کردند. متن آیه ۱۵۲ سوره آل عمران در این باره خطاب به سربازان محمد در جنگ احد که در سال سوم هجری قمری روی داد، می گوید: «خدا به وعده ای که با شما کرده بود وفا کرد. هنگامی که به اذن خدا بر دشمن غالب شدید و کافران را به خاک هلاکت افکندید و خدا غنیمتی را که هوای آن را در سر داشتید به شما نشان داد، در کار جنگ سستی کردید و در امر غنیمت به منازعه و اختلاف پرداختید و نافرمانی پیامبر کردید. بعضی خواستار دنیا شدید و برخی خواستار آخرت. سپس خدا نیز شما را از پیشرفت و غلبه بازداشت تا شما را بیزماید و خدا از تقصیر شما که نافرمانی پیامبر خود کردید در گذشت...»

سرانجام محمد اولین حکومت اسلامی را در شبه جزیره عربستان برپا کرد. این حکومت، به هیچ مخالفی رحم نمی کرد. محمد و علی مستقیماً مخالفان خود را گردن می زدند. گفته می شود که آن ها فقط در طول یک روز، صدها نفر از کسانی را که از سیاست های محمد تبعیت نکرده بودند، گردن زدند.

پس از مرگ محمد، جانشینان آن، همدیگر را کشتار کردند. ابوبکر، عمر، عثمان و علی، برای رسیدن به قدرت، همواره با همدیگر رقابت و کشمکش داشتند. در تاریخ آمده است که علی در قتل عثمان دست داشته است. حتی بین عایشه زن محبوب محمد و علی جنگ خونینی درگرفت. طلحه و زبیر با حمایت عایشه، به شهرهای بصره و کوفه لشکرکشی کردند و در نزدیکی شهر بصره، جنگ سختی بین آن ها و لشکریان علی درگفت که مدت هفت روز به دارزا کشید. سرانجام طلحه و زبیر کشته شدند و عایشه نیز دستگیر گردید و به اسارت نیروهای علی درآمد. این جنگ را جنگ «جمل» نامیدند. چرا که عایشه در این جنگ سورا بر شتر بود. پس از جنگ صفین، علی در دشت «نهروان»، با خوارج وارد جنگ شد و آن ها را قتل عام کرد و هشت هزار نفر از آن ها را کشت.

یکی دیگر از جنگ های خونینی که علی راه انداخت لشکرکشی به ایران و فتح نیشابور و ری و غیره بوده است. زیادبن عبید، از سوی علی حاکم فارس و کرمان شده بود.

علی پسر عم و یار نزدیک محمد، خلیفه چهارم مسلمانان و امام اول شیعیان، یکی از بزرگ ترین ثروت مندان دنیای عرب بود که همه آن ها را از غنایم جنگی به دست آورده بود.

خمینی، همواره به قاطعیت محمد و علی در مورد کشتن مخالفین تأکید می کرد. در تاریخ آمده است که «هشتصد نفر یهودیان طایفه یهودی بنی قریظه که محمد دستور داد، گردن یکایک آن ها را در یک روز بزنند و خود از صبح تا شام ناظر کشتن آن ها بود.» بنابراین، اسلام از همان بنیادش، سیاسی بوده و هست. بنابراین، اسلامی سیاسی و غیرسیاسی، لیبرال و بنیادگرا و غیره نداریم. این تقسیم بندی ها را تنوریسن های گرایشات اسلامی و هم چنین دولت

های غربی و در رأس همه دولت امریکا، به زبان ها انداخته اند تا در هر شرایطی، حمایت های خود از گروه های مذهبی را توجیه پذیر کنند.

یک مسأله مهم دیگر در نقد مذهب این است که در زمان خود محمد، خبری از قرآن نبود. اما پس از مرگ او، جانشینانش گفته ها، فتواها و برنامه های سیاسی حکومت او را جمع آوری کردند و به صورت قرآن منتشر نمودند. و آن را به عنوان کتاب مقدس آسامی تبلیغ کردند. در حالی که این کتاب، نه آسمانی و مقدس، بلکه صددرصد زمینی و به بیان امروزی قانون اساسی حکومت اسلامی محمد محسوب می شد.

اسلام، ادامه مذاهب قبلی بود منتها با تغییرات اساسی. برای مثال، قبل از دین محمد، مردم عربستان بت پرست بودند. محمد بت ها را از بین برد و خداپرستی را جایگزین آن کرد.

هم چنین تمام مذاهب زن ستیز هستند و به ویژه در اسلام و آن تصمیماتی که محمد در مورد زنان متعدد و صیغه های بی شمار خود گرفته بود در قرآن آمده است بیش از همه زنان را می گوید که اگر بدون چون و چرا از شوهران خود تبعیت نکنند خداوند آن ها را مستقیماً به جهنم خواهد فرستاد. بنابراین، هیچ کدام از مذاهب، از جمله اسلام زن را به عنوان انسان کامل به رسمیت نشناخته است.

بیش از ۱۴۰۰ سال است که اسلام توسط دربار شاهان و حکومت ها با اختصاص میلیاردها دلار بودجه تبلیغ و ترویج و بازتولید می شود. چرا که از اسلام به عنوان ابزاری در توهم نگاه داشتن بخشی از جامعه و حفظ حاکمیت بهره برداری سیاسی می شود و مستقیماً در خدمت سرمایه داری و استثمار انسان از انسان قرار دارد. اسلام سرمایه داری و مالکیت خصوصی را تقدیس می کند و خواهان سرکوب شدیدتر گرایشات کارگری کمونیستی است؛ و با تمام قدرت، با گرایش چپ جامعه دشمنی و خصومت می ورزد. از این رو، حتی حکومت شاه که ظاهراً حکومت مذهبی نبود اما بیش ترین امکانات را در اختیار گرایش مذهبی قرار داده بود در حالی که گرایش چپ جامعه را با تمام قدرت سرکوب می کرد. محمدرضا شاه، خدا را رهبر شیعیان جهان می دانست و در گفت و گو با اورینا فالاجی تأکید کرده که دو بار به او وحی رسیده است. هم چنین در بسیاری از کشورها از جمله ترکیه، هنگامی که ژنرال ها دست به کودتا می زدند گرایش مذهبی را تقویت می کردند تا مانع رشد و گسترش گرایش چپ جامعه شوند.

به این اساس، آن احزاب و سازمان ها و مبلغان و پیروان مذهبی، هنگامی که به قدرت نرسیده اند مظلوم گرایی می کنند اما هنگامی که به قدرت می رسند بلافاصله شمشیر خود را علی وار و محمد وار از رو می بندند و به هر مخالفی رسیدند حمله ور می شوند. نمونه بارز این حکومت ها در عصر حاضر، حکومت اسلامی ایران است که سی و دو سال است خون می ریزد و مانند خفاش خود مردم را می مکد اما هنوز هم سیر نشده است.

بدین ترتیب، باید مذهبی و لامذهبی کاملاً امر خصوصی انسان ها باشد. حتی تفکر اسلامی، نباید مجاز باشد که آزاری به کودکان و زنان در چارچوب خانه برساند. یعنی نمی توان از یک جامعه سکولار سخن به میان آورد و در آن جامعه، پدر بلائی دلش خواست سر دختر و همسرش بیاورد و امر خصوصی تلقی گردد. باید قوانین حقوقی کشور، طوری تنظیم شود که حقوق کودک به ویژه دختران و زنان در حریم خانواده نیز محترم شمرده شود.

داستان «ظهور امام زمان»

سی دی مستند «ظهور بسیار نزدیک است» در شهرهای مختلف ایران در سطح ملیونی و رایگان توزیع شده است. در این مستند، با اشاره به برخی روایات مربوط به ظهور امام زمان ادعا شده است که سیدعلی خامنه ای رهبر

حکومت اسلامی و محمود احمدی نژاد رئیس دولت دهم زمینه ساز ظهور امام دوازدهم شیعیان خواهند بود. این مستند توسط بنیادی به نام «حضرت مهدی موعود» تهیه و توزیع شده است. اما گفته می شود که در تهیه این سی دی، بیش از هر کس «اسفندیار رحیم مشائی» رئیس دفتر محمود احمدی نژاد نقش داشته است.

در این مستند، ابتداء روایاتی درباره ظهور امام زمان نقل می شود و سپس این روایات را به شیوه ای کنار یکدیگر چیده شده اند تا به هدف اصلی خود، یعنی به معرفی خامنه ای و احمدی نژاد به عنوان زمینه سازان ظهور برسد. در این مستند، ادعای محوری این است که با نزدیک شدن زمان ظهور امام زمان، شخصی به نام سیدخراسانی از ایران قیام خواهد کرد. سپاه سیدخراسانی به فرماندهی شخصی به نام شعیب به سرزمین سفیانی حمله کرده و با شکست آنان زمینه را برای ظهور امام زمان فراهم خواهد کرد. در فلم مستند ظهور نزدیک است تلاش شده تا خامنه ای به عنوان سیدخراسانی و احمدی نژاد به عنوان شعیب معرفی شود. برخی روحانیون سرشناس حکومتی مانند آیت الله مکارم شیرازی از مراجع تقلید و آیت الله استادی امام جمعه قم با رد ادعاهای این مستند گفته اند که روایات مورد اشاره در آن ضعیف و کتب مورد استفاده آن نیز غیرمعتبر است. روحانیونی نظیر احمد خاتمی امام جمعه موقت تهران و علیرضا پناهیان که در این مستند سخنانی از آنان مورد نقل قرار گرفته است نیز این نقل قول ها را تکذیب کرده اند. مرکزی تحت عنوان «مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم» هم در همین راستا اطلاعیه ای منتشر کرده که این فلم مستند از نظر این مرکز مردود بوده و اعتباری ندارد. بسیاری از رسانه های نزدیک به حکومت نظیر پایگاه های خبری مهر، بولتن نیوز و الف هم در مطالبی نسبت به ادعای طرح شده در این مستند واکنش نشان داده اند و آن را جریانی انحرافی و شیادانه خوانده اند که در بخش هایی از دولت رسوخ پیدا کرده است. جریان انحرافی مورد اشاره اصول گرایان منتقد، جریانی است که با اسفندیار رحیم مشائی شناخته می شود. یک شگرد مقامات و مسئولین حکومت اسلامی، به ویژه گردانندگان دولت احمدی نژاد، این است هنگامی که سیاستی و مسأله ای را مطرح می کنند به محض این که با اعتراض و انتقاد طرفداران خود روبرو می شوند بلافاصله آن را تکذیب می کنند. برای مثال، هنگامی که از احمدی نژاد در رابطه با ماجرای «هاله نور» سؤال شد آن را انکار کرد در حالی که پس از آن، سایت های اینترنتی فلم این داستان را پخش می کنند که احمدی نژاد آن را برای یکی از آیت الله ها تعریف می کند.

در رابطه با پخش و توزیع گسترده فلم «ظهور بسیار نزدیک است»، بیش از همه نام مشائی به عنوان طراح و حامی و تأمین کننده مالی این فلم، برده می شود.

پایگاه اینترنتی «محرمانه نیوز» که از جمله رسانه های حامی مشائی است چندی پیش در یادداشتی برای توصیف او از تعبیری مانند «هوش، درایت و ایمان مثال زدنی» یاد کرده و مدعی شده بود که این صفات «فصل مشترک رحیم مشائی با سلمان فارسی است.» در این یادداشت، حتی رحیم مشائی را با شمس تبریزی مقایسه کرده و گفته بود: «مشائی به عکس بسیاری از کسانی که از او می ترسند از پوسته و سطح و کف ایمان گذشته است و به اعماق آن رسیده است به همین اساس است که مرواریدهایی را که او از قلب دریای اسلام برآید به ارمغان می آورد، قشریون و خشک مغزان ظاهر بین را به اضطراب و ترس و متعاقبا به خشم و یاوه گوئی علیه این مرد الهی وامی دارد...»

به اساس گزارش ها در یکی از جلسات اخیر جامعه و عاظ ولائی مستندی تحت عنوان «نشانه های ظهور» پخش شده و اسفندیار رحیم مشائی پس از پایان این مستند با انطباق روایات زمان ظهور با شخصیت های کنونی آن از جمله گفته است که «سیدیمانی همان حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان است.» جامعه و عاظ ولائی که رحیم

مشائی در جمع اعضای آن سخن گفته است یکی از زیر مجموعه های جامعه روحانیت است که تحت تاثیر او از این گروه انشعاب کرده اند. در گزارشات آمده است که که مشائی برای پیش برد فعالیت های خود برخی از روحانیون را در قالب تشکل و عاظ ولایی گردآورده و بودجه هنگفتی را نیز برای این تشکل هزینه کرده است. گفته می شود تلاش های مشائی فعالیت زودهنگام برای انتخابات ریاست جمهوری دو سال آینده است و به نظر می رسد مستند «ظهور بسیار نزدیک است» نیز به عنوان یکی از تلاش ها با هدف تاثیرگذاری بر بخشی از گروه های نزدیک به حاکمیت و حزب الله و جلب نظر آن ها برای حمایت از احمدی نژاد و یارانش تهیه شده باشد. برای مثال، حسین شریعتمداری مدیر مسؤول روزنامه کیهان، در سرمقاله شنبه دو هفته پیش خود، با تأکید بر اغراض انتخاباتی تهیه کنندگان مستند «ظهور بسیار نزدیک است»، آن ها را «وابسته به حلقه حاشیه ساز دولت معرفی کرده و گفته که این گروه قصد داشته»... احمدی نژاد را در اذهان عمومی همان «شعیب بن صالح» معرفی کنند و بعد در دوران انتخابات مجلس، ریاست جمهوری و یا با استناد به این که از افراد نزدیک به آقای احمدی نژاد و مورد وثوق و اطمینان ایشان هستند، لیست نامزدهای مورد قبول خود برای مجلس و یا نامزد ریاست جمهوری مورد نظر خود را، نامزد و نامزدهای مورد تأیید حضرت بقیه الله الاعظم- ارواحنا له الفداء- جا بزنند.»

برخی گروه ها و نظریه پردازان و برخی از آیت الله های حکومتی، جایگاه چندانی برای مشائی قائل نیستند؛ اما گروهی دیگر، پروژه مشائی را فراتر از آن می دانند و از روحانیون می خواهند آن را متوقف کنند. آن ها می گویند جریان مشائی در صدد حذف روحانیون از فضای سیاسی ایران است و این مسیری است که در آن حتی خامنه ای نیز مصون نخواهد بود.

چندی پیش «فرهاد جعفری»، نویسنده حامی احمدی نژاد، خطاب به خامنه ای که در آن از او خواسته شده بود ولایت فقیه را تعطیل کند تأییدی بر این تحلیل است. گفته می شود که فرهاد جعفری، از مدتی پیش به خدمت تشکیلات رحیم مشائی در آمده و در ساختمانی در خیابان برزیل تهران مشغول تهیه خوراک فکری و رسانه ای این جریان است. مخالفان مشائی می گویند هدف جریان مشائی، از میدان به درکردن روحانیون و مسلط کردن تمام عیار نظامیان است. برخوردهای حاکی از بی اعتنائی احمدی نژاد نسبت به تقاضاهای مکرر مراجع تقلید برای کنار گذاشتن مشائی که به نارضایتی گروهی از حامیانش هم انجامیده است بر وجود یک پروژه تعریف شده در این زمینه مهر تأیید می زند. حتی گفته می شود احمدی نژاد، خود را مرید مشائی می داند و بارها نیز عنوان کرده که حاضر است مشائی رئیس جمهور باشد و او در مقام معاونش فعالیت کند. فراتر از همه گفته می شود که ادعاهای همیشگی احمدی نژاد درباره نزدیک بودن ظهور امام زمان و در پیش بودن تغییرات عظیم در دنیا نیز متأثر از القانات مشائی است.

احمدی نژاد، در طول دوران ریاست جمهوری اش بارها ادعاهائی درباره قریب الوقوع بودن ظهور پایان جهان را پیش کشیده است. برای مثال، او حدود دو سال پیش گفت که آمریکائی ها برای جلوگیری از ظهور امام زمان به عراق حمله کرده اند. ادعای مشهور او درباره ایجاد هاله نور دور سرش در سالن مجمع عمومی سازمان ملل و اظهاراتش مبنی بر این که دست امام زمان را در همه امور می بیند و هدفش فراهم کردن زمینه های ظهور است نیز نمونه های دیگری است که در هم سوئی کامل با پروژه تعریف شده در مستند «ظهور نزدیک است» قرار دارد. چنین ادعاهائی به صورت هدف مند و مستمر از سوی احمدی نژاد و نزدیکان او در تریبون های رسمی و دولتی و خصوصی بیان می شود.

داستان امام زمان، از جمله داستان های مذهبی - تخیلی است که در طول تاریخ توسط روحانیون و با روایت های گوناگونی مطرح بوده است. عموماً تاکنون در ایران، تحلیل و بررسی و اظهارنظر در مورد امام زمان، در انحصار روحانیون طراز اول بود و حتی هر آخوندی نیز نمی توانست در مورد آن اظهارنظر کند. اما هنگامی که دولت احمدی نژاد به قدرت رسید انحصار داستان امام زمان را از دست روحانیون خارج کرد و گاه بی گاه روایات خودشان را از داستان امام زمان تعریف می کنند. مهم تر از همه، دولت احمدی نژاد خود را به عنوان دولتی که مسیر ظهور امام زمان را تدارک می بیند، معرفی می کند. او، حتی دولت خود را دولت امام زمانی می نامد.

این جهت گیری دولت احمدی نژاد، از دو منظر مورد بحث و بررسی است: نخست این که دولت احمدی نژاد با این داستان سرائی ها، سربازان غیبی امام زمان، یعنی مامورین موسوم به لباس شخصی ها، مامورین وزارت اطلاعات، سپاه، بسیج، نیروی انتظامی، ضدشورش، عناصر حزب الله و دیگر ارگان های سرکوب را پشت سر سیاست های خود بسیج می کند؛ و دوم این که هر کمبود و ایراد و اشکال سیاست ها و عملکردهای دولت خود را به امام زمان نسبت می دهد تا منتقدان و مخالفان خود را مرعوب و سرکوب کند. آخرین داستان سرائی احمدی نژاد، در مورد پیاده کردن طرح حذف سوبسیدهای دولتی بوده است که او، رسماً در تلویزیون اعلام می کند ۸۱ هزار تومانی که به حساب خانواده ها ریخته شده پول امام زمان است. او، در این برنامه تلویزیونی خود، از مردم خواست این پول را خرج نکنند و برای فرزندان خود نگاه دارند. پولی که در بهترین حالت کفاف دو کیلو گوشت است. اما در مقابل قیمت اجناس و بسیاری از کالاهای مورد نیاز مردم را از نان و آب گرفته تا گاز و برق و بنزین و غیره چندین برابر گران تر کردند. از این رو، بسیار روشن است که هدف تیم خامنه ای - احمدی نژاد - رحیم مشائی از ظهور امام زمان، نه صرفاً تبلیغی در راستای باورهای مذهبی، بلکه دقیقاً تبلیغی در راستای اهداف سیاسی شان حفظ قدرت است.

احمدی نژاد، گفته است: «عطر تحقق وعده الهی در عالم پیچیده است مبنی بر این که کسی می آید عالم را سرشار از عدالت می کند. و پاکان خدا نیز او...»

خبرگزاری فارس که گفته می شود وابسته به ارگان های امنیتی حکومت است روز سه شنبه ۱۴ جدی ۱۳۸۹، در این باره نوشت: «رئیس جمهور با بیان این که عطر تحقق وعده الهی در عالم پیچیده است، گفت که اندیشه ملت ها به سرعت به سمت مهدویت و امام عصر (عج) حرکت می کند و دنیا در آینده بسیار نزدیک آماده پذیرش حضرت مهدی (عج) می شود.

محمود احمدی نژاد، ظهر روز سه شنبه، در هشتاد و سومین سفر استانی هیأت دولت به سمنان، در اجتماع مردم این استان، گفت: «همه عالم در اختیار خدا است و هیچ موجودی در عالم جز خدای یگانه بر همه هستی حاکم نیست و جز قدرت خدا هیچ قدرتی وجود ندارد.»

احمدی نژاد، با تأکید بر این که بشریت در حال چرخش به سمت آن یگانه هستی است، افزود: «ملت ها متوجه او شده اند، اندیشه ملت ها به سرعت به سمت مهدویت و امام عصر (عج) حرکت می کند... شما بیش از ۳۲ سال برای او امام زمان (عج) ایستاده اید، نزدیک است و به فضل الهی و در آینده بسیار نزدیک عالم هستی آماده پذیرش امام، مولای ما، سرور ما حضرت مهدی (عج) خواهد شد.»

در حالی که خلاف ادعاهای احمدی نژاد، سیر تحولات منطقه به طور کلی به ضرر گرایشات اسلامی در حرکت است. امروز اسلام همانند ۳۲ سال پیش که انقلاب ایران به وقع پیوست در بورس نیست. چرا که در آن دوره، دولت های غربی و در رأس همه دولت امریکا، به یک کمربند سبز اسلامی در همسایگی شوروی نیاز داشتند. اما

امروز شوروی از بین رفته است. به علاوه حکومت اسلامی، طالبان، بن لادن و غیره نیز به حدی جنایت کرده اند که در نزد افکار عمومی مردم جهان، منفور و منزوی هستند. داستان ظهور امام زمان و غیره نیز نمی تواند حکومت اسلامی را از بحران های فزاینده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نجات دهد.

در چینی شرایطی، احمدی نژاد که قبلا به تروریسم و تیر خلاص زنی به زندانیان سیاسی اعدام شده معروف بود مدت هاست که به احمد چاخان نیز معروف شده است و سخنانش درباره امام زمان و غیره اغلب مواقع با تمسخر مردم روبرو می شود.

اعتقاد سرسختانه محمود احمدی نژاد به امام زمان و نزدیک بودن موعد ظهور او، بر کسی پوشیده نیست. احمدی نژاد، بارها اعلام کرده «ایران باید سکوی ظهور امام زمان باشد.» او چندی پیش در جمع طلاب مشهد گفت: «امام زمان دارد جهان را مدیریت می کند و ما داریم می بینیم دست هدایت آقا امام زمان در همه امور کشور نمایان است.»

در آغاز روی کار آمدن دولت نهم در سال ۱۳۸۴، خبرهایی در مورد امضای میثاق نامه اعضای دولت با امام زمان منتشر شد. در خبرها آمده بود که وزیر وقت ارشاد مأمور انداختن این میثاق نامه به چاه مسجد جمکران شده بود. بنابراین، پشتیبانی احمدی نژاد از فعالیت های مسجد جمکران و مراکز مشابه آن، از نخستین روزهای ریاست جمهوری او آغاز شد و هم چنان ادامه دارد.

محمود احمدی نژاد، از بدو روی کار آمدن در سال ۱۳۸۴، بارها تأکید کرده است که یکی از وظایف اصلی و در حقیقت اصلی ترین وظیفه دولت خود را مهیا کردن شرایط برای ظهور امام زمان می داند. او، در اردیبهشت ۸۶ در کرمان تأکید کرده بود: «مأموریت داریم کشور را به کشور امام زمان تبدیل کنیم.» اما او، در آن هنگام توضیح نداده بود که آیا «این مأموریت» از جانب چه کسی به او محول شده است؟!

احمدی نژاد، در ابتدای تمام سخن رانی های خود دعای فرج امام زمان را می خواند. هنگامی که او، شهردار تهران بود، اسفندیار رحیم مشائی که در آن زمان رئیس سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران بود با هماهنگی احمدی نژاد اقدام به تهیه و انتشار نقشه «مسیر عبور امام زمان هنگام ظهور» کرده بود. منابع خبری از رحیم مشائی، به عنوان رابط امام زمان با احمدی نژاد نام می برند و گفته می شود حضور طولانی او در هندوستان و شرکت در جلسات آموزش ارتباط با امور ماوراء الطبیعه را در این راستا ارزیابی می کنند.

شایعات گسترده ای درباره قرار دادن یک صندلی یا بشقاب خالی در جلسات هیأت دولت به ریاست احمدی نژاد وجود دارد که حتی یک بار توسط یکی از نمایندگان اصول گرای مجلس هفتم هم تأیید شد.

یکی از جنجالی ترین سخنان احمدی نژاد درباره امام زمان، مربوط به اظهارات او در جمع خانواده شهداء و ایثارگران اصفهان است که ۱۳ قوس سال ۸۸ بیان شد. او، در آن دیدار مدعی شده بود اسنادی در اختیار دارد که بر مبنای آن ها امریکا می خواهد جلو ظهور امام زمان را بگیرد.

احمدی نژاد، در توضیح این اسناد گفته بود: «درست است که این مستکبران، به دنبال نفت و ثروت این کشور هستند، اما در زیر همه این ها یک استدلال برای خود دارند و بر اساس آن عمل می کنند. البته آن را در خبرها افشاء نمی کنند. ما اسناد آن را به دست آوردیم که آن ها معتقدند یکی از خاندان پیامبر اکرم در این نقطه ظهور کرده و ریشه همه ظالمان عالم را خواهد خشکاند. آن ها همه این نقشه ها را کشیده اند که جلوی ظهور حضرت را بگیرند و می دانند ملت ایران زمینه ساز این حادثه بوده و یاران این حکومت خواهد بود.»

احمدی نژاد، هم چنین در ثور ۸۷ در مشهد گفت مدیریت کشور و دولت او با امام زمان است. او، در آن سخنرانی با اشاره به انتقادات صورت گرفته علیه او در جریان سخنرانی در دانشگاه کلمبیا گفته بود: «در آن جا یک لحظه بعد یاد امام عصر افتادم. گفتیم: ای عزیز، من مطمئن هستم که این صحنه را به نفع اسلام جمع و جور می کنی و مدیریت خواهی کرد. می دانم جمع خواهی کرد.»

او اخیراً هم مدیریت و هدایت طرح هدف مندسازی یارانه ها را در اختیار امام زمان دانسته و گفته بود پولی که دولت در اثر اجرای این طرح به حساب مردم واریز می کند نیز «پول امام زمان» است.

بسیاری معتقدند نگاه دولت احمدی نژاد به مقوله مهدویت، متأثر از دیدگاه های آیت الله محمدتقی مصباح یزدی و انجمن حجتیه است. منابع خبری از مصباح یزدی و ابوالقاسم خزعلی به عنوان دو نماینده اصلی و البته علنی جریان حجتیه در فضای سیاسی کنونی ایران نام می برند.

روحانیت شیعه معتقد است که امام دوازدهم شیعیان، با پنهان شدن از دید مردم، در نهایت ظهور خواهد کرد و جهان را سرشار از عدالت می کند.

یکی از داستان های مربوط به ظهور امام زمان، موضوع «دجال» و «الاعغ» اوست. به نظر برخی فقهای سناریونویس امام زمان سازی، یکی از نشانه های ظهور امام زمان «دجال» است.

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین (به نقل از ملا محمد باقر مجلسی، بحار لائواز، جلد سیزدهم، مهدی موعود، ترجمه علی دوانی) صفحه ۱۰۷۶، از «نزال بن سیره» روایت می کند که علی بن ابی طالب خطبه ای خواند و پس از آن سه بار گفت: «ای مردم! پیش از این که مرا دست بدهید، هر پرسشی دارید از من بکنید.»

«صمصمه بن صوحان» برخاست و از علی پرسش کرد، «دجال» چه زمانی خواهد آمد؟ علی پاسخ داد، زمانی که مردم نماز خواندن را فراموش کنند، و در امانت خیانت کنند، دروغ بگویند، رباخواری کنند و رشوه بگیرند. دین را به دنیا بفروشند و سفیهان را به کار بگمارند. با زنان مشورت کنند. پیوند خویشان پاره کنند و برای خون یکدیگر ارزشی قائل نباشند. ظلم و بی دادگری سبب فخر مردم شود، امراء فاجر، وزراء ظالم و سرکردگان دانا خائن شوند. زنان نوازنده آلات طرب و موسیقی به دست گیرند و نوازندگی کنند...

علی می گوید، یک گام الاغ دجال یک میل راه است. از هیچ آبی نمی گذرد مگر این که آن آب تا روز قیامت خشک می شود. با صدای بلند خود چنان ندا در می دهد که از مشرق تا مغرب، جن و انس و شیاطین صدای مهیب او را می شنود. دجال دشمن خداست و می گوید: «ای افراد بشر، من خدای بزرگ شما هستم به سوی من بیائید.» از هر موی الاغی که دجال بر آن سوار است، نغمه ای به گوش می رسد و آن نغمه ها موجب جذب مردم سست و ناپرهیزگار به او می شود. بیشتر پیروان او زنازادگان، یهودیان و زنان و عرب های بیابانی، شراب خواران و نوازندگان و بازیگران هستند. دجال در یک دوره چهل روزه و یا چهل ساله دنیا را پر از ظلم و جور و کفر می سازد و سرانجام به دست مهدی نابود می شود...

علی بن ابی طالب، می گوید، پس از کشته شدن «دجال»، «دابه الارض» (حیوانی عظیم الجثه) از سمت صفا ظهور می کند. «دابه الارض»، انگشتر سلمیان و عصای موسی را با خود دارد و آن انگشتر را روی هر مؤمنی که می گذارد، در جای آن نوشته می شود: «این مؤمن حقیقی است.» و بر روی هر کافری که بگذارد، در محل آن نوشته می شود: «این کافر حقیقی است.» تا جایی که مؤمن صدا می زند، ای کافر وای بر تو و کافر صدا می زند، ای مؤمن خوشا به حال تو! کاش من نیز مانند تو بودم و به چنین سعادت دست می یافتم.

سپس «دابه الارض» سر خود را بلند می کند و مردمی که در بین مشرق و مغرب هستند، پس از طلوع خورشید از سوی مغرب به فرمان خدا او را می بینند. از آن پس دیگر توبه کسی پذیرفته نمی شود. به نوشته شیخ صدوق، در این جا علی بن ابی طالب، می گوید: «از آن چه از این پس روی می دهد از من پرسش نکنید، زیرا من با حبیب خود، رسول خدا عهد بسته ام که بیش از این خبر به اهل عترت (منظور اولاد و احفاد اوست) آگاهی ندهم.»

«مهدی قائم در روز شنبه که عاشورای امام حسین و هوا بسیار گرم است در یک سال طاق، مانند «موسی بن عمران» هراسان از مخفی گاه خود در مدینه بیرون می آید و وارد مکه می شود. قائم در هنگام ظهور به سن ابراهیم خلیل یعنی یک صد و بیست ساله است، ولی به شکل جوان سی ساله موفقی به نظر می آید و با گذشت روزها و شب ها پیر نمی شود! بدنی نیرومند دارد، به گونه ای که اگر دست به سوی بزرگ ترین درخت روی زمین دراز کند، می تواند آن را از بیخ برکند. اگر در میان کوه ها نعره بکشد، سنگ های سخت از اثر صدایش خرد می شوند. عصای موسی و انگشتر سلیمان را با خود دارد و پرچمی را که محمد بن عبدالله در جنگ بدر از آن استفاده می کرد با خود حمل می کند. (به نقل از ملامحمد باقر مجلسی، بحارلانواز، جلد سیزدهم، مهدی موعود، ترجمه علی دوانی، صفحه ۱۱۱۲).

«امام جعفر صادق گفته است، امام قائم شمشیر، زره، عمامه، عبا، عصا، پرچم و زین و برگ اسب پیامبر را در اختیار دارد. هنگامی که وارد مکه می شود عبا و عمامه و زره پیامبر را می پوشد و شمشیر از غلاف بیرون می آورد و پرچم پیامبر را می افزاید. این همان پرچمی است که جبرئیل در روز جنگ بدر آن را از آسمان برای محمد آورد و محمد آن را در میدان جنگ بدر برافراشت. این پرچم را همه مردم عالم در شرق و غرب دنیا می بینند...» (همان منبع، صفحه ۱۱۱۰).

«در این هنگام، امام قائم از خدا اجازه ظهور می طلبد که به گونه رسمی ظهور کند. زمانی که اجازه خدا برای ظهور رسمی امام قائم صادر می شود، عیسی بن مریم از آسمان فرود می آید و پشت سر امام مهدی نماز می گذارد. آن گاه جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ او قرار می گیرند. سپس سیزده هزار فرشته از آسمان فرود می آیند که در رکاب امام قائم خدمت کنند. این ها فرشتگانی هستند که در کشتی نوح خدمت می کردند و در زمانی که ابراهیم خلیل را در آتش افکندند به یاری او شتافتند و هنگامی که عیسی بن مریم به آسمان رفت، با او بودند. گذشته از آن ها، شمار چهار هزار فرشته که دارای نشان ویژه ای هستند، در برابر امام قائم صف می کشند. هم چنین چهار هزار فرشته که برای یاری حسین به صحرای کربلا آمدند، در رکاب امام خواهند بود. باید دانست که این فرشتگان نخست برای یاری حسین آمدند، ولی به آن ها اجازه دخالت در جنگ را نداد. سپس آن ها به آسمان رفتند تا از خدا اجازه بگیرند، ولی هنگامی که به زمین بازگشتند، حسین شهید شده بود. از این رو آن ها تا روز قیامت همیشه پژمرده و غمزه در کنار قبر حسین به سر می برند.» (همان منبع، صفحه ۱۱۱۴).

«سپس محمد بن عبدالله و علی بن ابی طالب ظاهر می شوند و کتاب مهر شده ای که هنوز مهرش خشک نشده به امام قائم می دهند و به او می گویند، وی باید بر پایه آن چه در این کتاب نوشته شده، عمل کند.» (همان منبع، صفحه ۱۰۹۹).

«امام محمد باقر به خدا سوگند می خورد که سه صد و سیزده نفر به تعداد سربازانی که در جنگ بدر شرکت کرده بودند و پنجاه نفر زن نیز در میان آن ها هست در اطراف امام مهدی قائم گرد می آیند و با او تبعیت می کنند. آن گاه مهدی قائم با آن ها از مکه بیرون می رود و منادی او در مکه از آسمان او را صدا می زند و ظهورش را به آگاهی مردم می رساند.» (همان منبع، صفحه ۱۰۰۲).

«سپس امام مهدی قائم قصد سفیانی می کند. بعضی از لشکریان سفیانی به پیروی مهدی و برخی از پیروان مهدی به صف سربازان سفیانی می پیوندند. اما مهدی قائم، سفیانی و پیروانش همه را از دم تیغ می گذرانند به گونه ای که حتی یک نفر از آن ها نیز باقی نمی ماند.» (همان منبع، صفحه ۱۰۰۴). «اسب های لشکریان امام قائم زین های زرین دارند و قصد هر شهری را می کند، آن جا را خراب و ویران می سازد.» (همان منبع، صفحه ۱۱۰۰). «...سپس امام قائم به مسجد کوفه می رود. شیطان در حالی که با زانوهای خود راه می رود به آن جا می آید و می گوید: «ای وای، از خطر امروز!» امام مهدی قائم، پیشانی او را می گیرد و گردنش را می زند.» (همان منبع، صفحه ۱۱۳۶).

«محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب غیبت نعمانی از قول محمدباقر نقل کرده است که امام قائم از روز ظهور تا هنگام مرگ، رویهم رفته مدت نوزده سال سلطنت می کند و زمین را پر از عدل و داد می نمایند. پس از آن که ظلم و بی دادگری پر شده باشد. امام مهدی قائم تا آن اندازه از مردم بی دین می کشد که جز دین محمد، دین و مذهب دیگری باقی نمی ماند و خدا خشنود می شود. پس از مرگ قائم، مردی از خاندان ما برای مدت سیصد و نه سال بر روز زمین حکومت می کند. - گفته اند این شخص امام حسین و یا یکی دیگر از ائمه در هنگام رجعت است.» (همان منبع، صفحه ۱۰۲۷ و ۱۰۹۰).

«امام قائم دارای آن چنان نوری است که پس از ظهور او زمین از نور خورشید بی نیاز می شود. در زمان سلطنت امام قائم هر مردی دارای هزار پسر خواهد شد و حتی یک دختر هم در آن زمان از زنی متولد نمی شود. چون پس از ظهور امام قائم، آن قدر جمعیت زیاد است که مسجدهای موجود گنجایش آن ها را برای برگزاری نماز ندارند، از این رو امام قائم در بیرون کوفه مسجدی می سازد که یک هزار درب دارد و خانه های کوفه به شهر کربلا متصل می شوند.» (همان منبع، صفحه ۱۷-۱۱۶).

مجلسی، نوشته است: «مفضل بن عمر کوفی» از امام جعفرصادق پرسش کرده است، محل سکونت امام قائم در چه محلی خواهد بود؟ امام جعفرصادق جواب داده است، محل سکونت امام قائم در کوفه و محل حکومتش در مسجد جامع کوفه و بیت المال و محل تقسیم غنائمش در مسجد «سهله» واقع در زمین های مسطح و صاف نجف و کوفه است. اما جعفرصادق افزوده است که هر مؤمن شیعه ای آرزو دارد، یک وجب از زمین آن محل را به یک شمش طلا بخرد.» (همان منبع، صفحه ۱۱۵۹).

بابین ترتیب، حاکمان، روحانیون و علماء و داستان سرایان و سناریوسازانی که تاکنون واقعه امام زمان را تولید کرده اند، برای اثبات درستی نظریات خود، به کرات به امامان و پیامبرانی متوسل شده اند که آن ها نیز برای اثبات گفته هایشان به خدا پناه برده و به او قسم خورده اند در واقعیت، جز یک مشت آدم شیاد و خیال باف و افسانه ساز و داستان سرهائاتی که از این راه نان می خورند و حکم رانی می کنند. در پی ظهور امام زمان، همه قداره بندان سابق از محمد تا علی و غیره وارد صحنه می شوند و نقشی که داستان سرا به آن ها داده است، ایفا می کنند.

«... در این زمان حسین بن علی با دوازده هزار نفر از پیروان وفادار شیعه گری و هفتاد و دو نفر افرادی که در کربلا همراه او کشته شدند، آشکار می شوند. سپس علی بن ابی طالب ظهور می کند و دستور می دهد خیمه ای در نجف روی چارپایه ای برای او بنا کنند. یک پایه این چارپایه در نجف، پایه دیگرش در حجر اسماعیل، یک پایه اش در صفا و پایه چهارمی اش در سرزمین مدینه است. آن گاه محمد بن عبدالله با انصار و مهاجران و افرادی که به وی ایمان آوردند و در رکاب او شهید شدند، ظهور می کنند. پس از آن محمد همه مخالفان خود و آن هائی که پیامبری او را مسخره و با او جنگ کردند، و نیز افرادی را که به ضد هر امامی عملی انجام داده اند، زنده می کند

تا انتقام اعمالی را که از بعثت خود تا ظهور مهدی به ضد هر امامی انجام شده، از آن ها بگیرد. همه ائمه جلوی پیامبر گرد می آیند و یکایک شکایت می کنند که فرمانروایان ستم گر ما را از وطن بیرون راندند، حبس کردند و کشتند. در این هنگام، پیامبر به گریه می افتد و می گوید: «ای فرزندان من، هر چه به شما رسید، بیشتر از آن به سر جد شما آمد.» (همان منبع، صفحه ۶۶-۱۱۶۵).

داستان ها و افسانه هائی که جز تبلیغ و ترویج جنگ و کشتار، تجاوز و غارت، انتقام جوئی و آدم کشی رسالت دیگری ندارند. داستان های هولناکی که به غایت ضدانسان و زن ستیز هستند. «سپس نوبت مجازات حمیرا (عایشه) فرا می رسد. امام قائم، عایشه (زوجه پیامبر) را از قبر بیرون می آورد و به سبب این که به «ماریه قبطیه» (یکی از زنان پیامبر و مادر ابراهیم) نسبت زنا داده، به او تازیانه می زند.» امامی که قرار است با ظهور خود به جهان عدل و آزادی بیاورد این همه وحشی و خونخوار و انتقام جو است؟!!

امام محمدباقر، گفته است، امام مهدی نوزده سال حکومت می کند. وظیفه مهدی قائم آن ست که ریشه دشمنان خاندان محمد و علی را از روی زمین برکند، ستم و بی دادگری را از دنیا ریشه کن و عدل و انصاف را جانشین آن سازد. امام مهدی قائم پس از انجام وظایف مذکور، سرانجام به دست یک زن ریش دار کشته می شود.

پس از کشته شدن امام مهدی قائم، حسین بن علی او را غسل می دهد و کفن می کند و در قبر به خاکش می سپارد. پس از کشته شدن امام قائم، حسین بن علی مدت سیصد و نه سال به نام امام «منتصر» در جهان سلطنت می کند، پس از حسین بن علی، زمان حکومت علی بن ابی طالب فرا می رسد و او مدت چهل و چهار هزار سال به نام امام «سفاخ» سلطنت می کند. آن گاه نوبت محمد بن عبدالله فرامی رسد. وی مدت پنجاه هزار سال سلطنت خواهد کرد. (همان منبع، صفحه ۱۲۲۳).

پس از او، دوباره علی بن ابی طالب رجعت و سلطنت می کند، این دور و تسلسل تا آن اندازه ادامه می یابد که باز در زمان های آینده ائمه ای به وجود خواهند آمد و پس از آن ها همین موعود باز هم ظهور خواهد کرد. در افسانه های امام زمان سازان، هر چند که گفته می شود امام زمان پس از ظهور بر جهان حکم رانی خواهد کرد اما در همه داستان ها و افسانه ها قلمرو حاکمیت او از مکه، مدینه، نجف و به طور مشخص از خراسان و روم فراتر نرفته و امام زمان سازان، افسانه های خود را مثلا به کشورهای اروپائی و امریکا و کانادا و استرالیا گسترش نداده اند.

از سوی دیگر، آخوندها در بالای منبرها و از تریبون های نماز جمعه ها و غیره، ناله سر می دهند که ائمه در فقر و تنگدستی به سر می بردند و همواره روزه دار بودند. در حالی که آن ها، از ثروت مندان بزرگ دوران خود به شمار می آمدند. هم چنان که اکنون نیز مبلغان و رسانه های حکومت اسلامی از ساده زیستی رهبر و احمدی نژاد و دیگر سران حکومت دم می زنند در حالی که همه آن ها، در ناز و نعمت و ثروت های بادآورده می لولند و هیچ کس نمی داند که این همه درآمدهای کشور را در کجا و چه موردی هزینه می کنند و به حساب های شخصی خود در داخل و خارج کشور انتقال می دهند.

بنا به اقرار مجلس، دولت احمدی نژاد سال گذشته فقط در یک رقم ناقابل حدود یازده میلیارد دلاری از درآمدهای نفتی را به خزانه دولت واریز نکرده و معلوم نیست چه بلائی سر این پول های هنگفت بی زبان آورده اند؟ از درآمدها و هزینه های بیت رهبری که سالانه سر به میلیاردها دلار می زند هیچ کس خبر ندارد. رهبر نیز به هیچ کس جز «خداوند قادر و توانا و عزوجل»، حساب پس نمی دهد؟!!

ابزار اقتصادی، روز یکشنبه ۳ دلو ۱۳۸۹، نوشت: بالای ۳۰ درصد از جوانان کشور بی کار هستند و درآمد آن ها صفر درصد است و این شاخص ها خود معیار خوبی برای قضاوت در رابطه با وضعیت معیشت مردم است. بنابراین گزارش، حسن روحانی، رئیس مرکز مطالعات ستراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، با اعلام این آمار افزود که «بیش از ۳۰ درصد از جوانان کشور درآمد صفر درصد دارند و با درآمد صفر درصد هم که نمی تواند وضعیت معیشت مردم خوب باشد.» حسن روحانی، در ادامه گفت که «در حال حاضر حدود یک سال و نیم یا دو سال است که بانک مرکزی میزان رشد ناخالص ملی را اعلام نکرده است.»

نزدیک به یک چهارم از نیروی کار ایران فاقد اشتغال و بی کار است. حدود ۷۰ درصد جمعیت ایران، زیر ۳۵ سال سن دارند. مرکز آمار ایران میزان بی کاری جوانان را ۲۱/۸ درصد اعلام کرده که تقریباً دو برابر نرخ متوسط بی کاری در ایران است. نرخ بی کاری در استان های مختلف ایران متفاوت است. اما اغلب نرخ بی کاری در استان های مرزنشین از دیگر نقاط ایران بالاتر است.

در چنین شرایطی، کارگران و محرومان جامعه تحمل این همه فشار اقتصادی و سرکوب های سیاسی را ندارند و با بحث های امام زمانی و خدائی و پیامبری نیز شکم هیچ انسان گرسنه ای سیر نمی گردد و هیچ بیماری نیز تحت درمان قرار نمی گیرد.

دین و ایمان روحانیت شیعه ثروت و قدرت است. امام جعفر صادق، به ساده ترین شکلی پول دوستی و ثروت اندوزی روحانیت شیعه را به زبان آورده است:

«هیچ عمل نیکی در نزد خداوند بهتر و ثوابش زیادتر از دادن پول به امام نیست»

ادامه دارد